

## تحولات سیاست دفاعی روسیه سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰

جهانگیر کرمی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۵/۲۵

علیرضا کریمیان<sup>۲</sup>

تاریخ تأیید مقاله: ۸۸/۶/۱۶

صفحات مقاله: ۹-۲۶

### چکیده

محیط داخلی و خارجی روسیه در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ متحول بوده است، اما اصول کلان سیاست دفاعی آن کم‌تر دستخوش دگرگونی شده است. کشور روسیه در این دهه در مقایسه با سال‌های دهه ۱۹۹۰، از ثبات و سامان مناسب‌تری برخوردار شده و درآمدهای نفتی روزافزون نیز امکان بهبود وضعیت نظامیان، بازسازی فنی و در نتیجه قدرتمندی دفاعی را داده است. در محیط بین‌المللی، مسکو دوره‌هایی از دوستی و دشمنی را با غرب و ناتو تجربه کرده و از همکاری با آمریکا در جنگ با طالبان در سال‌های نخست، به موج انقلاب‌های رنگی، گسترش ناتو، برنامه سپر موشکی در چک و لهستان و سرانجام جنگ استیا رسیده است. در دو سال اخیر نیز رقابت جای خود را به دوره‌ای از همکاری داده است که از آن به عنوان «معامله بزرگ» یاد می‌شود. اما اصولی مانند «قدرت جهانی» و «همپایگی راهبردی»، همچنان به عنوان اصول کلان حاکم بر سیاست دفاعی پایدار مانده‌اند. در این مقاله به اوضاع داخلی، محیط بین‌المللی و منطقه‌ای و سرانجام اصول کلان سیاست دفاعی روسیه پرداخته شده است.

\* \* \* \* \*

۱ - استادیار دانشگاه تهران.

۲ - پژوهشگر ارشد پژوهشکده مطالعات فرهنگی وزارت علوم.

## کلید واژگان

سیاست دفاعی، تهدید، امنیت ملی، روسیه، قدرت بزرگ، همپایگی راهبردی

### مقدمه

سیاست دفاعی کشورها از تجربیات ملی، واقعیت‌های زمانی و مکانی و توانمندی‌های کشور برای مقابله با تهدیدات امنیتی شکل می‌گیرد. در این میان، مجموعه‌ای از شرایط داخلی و خارجی در هر دوره‌ای، به شکل‌گیری مجموعه‌ای از سری اصول کمک می‌کند که می‌توان آن‌ها را اصول و مبانی سیاست دفاعی نامید. در واقع، سیاست دفاعی کشورها با سیاست خارجی، امنیت ملی، شرایط فنی و اقتصادی، وضعیت جامعه و نظام سیاسی آن‌ها مرتبط است و همه این‌ها در کشور روسیه طی بیست سال گذشته متحول بوده‌اند. سیاست دفاعی روسیه از دوره حکومت تزاری در دهه دوم قرن ۲۰ تاکنون کمابیش دارای مجموعه‌ای مبانی دکترینی بوده است و در دوره جدید نیز چنین وضعیتی وجود دارد. این موضوع، بویژه از سال ۲۰۰۰ و بهبود تدریجی اوضاع داخلی و موقعیت بین‌المللی این کشور به‌طور نمایان‌تری مطرح شده است. اما این که در حال حاضر چه تهدیدهایی نسبت به امنیت ملی آن وجود دارد، چه شرایطی در محیط داخلی و خارجی این کشور حاکم است، سیاست دفاعی آن چه اصول و قواعدی دارد و آن‌ها چه الزاماتی را برای دولت ایجاد می‌کنند؛ پرسش‌های مورد توجه این نوشته هستند. طبعاً موضوعاتی نظیر ساختارها و نهادهای تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، فرماندهی، اداری و عملیاتی، سازمان و تجهیزات نظامی و رزمی، روابط لشکری و کشوری و دیگر ابعاد سیاست دفاعی و نظامی مورد بحث این نوشته نیستند و مجال دیگری می‌طلبند. در حقیقت، تمرکز این نوشته بیشتر بر رابطه محیط و تهدیدات است.

نکته اصلی مورد تأکید در این نوشته آن است که در ده سال اخیر (از ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰)، محیط داخلی و خارجی روسیه متحول بوده اما اصول کلان آن کم‌تر دستخوش دگرگونی شده است. شرایط داخلی کشور در مقایسه با سال‌های دهه

۱۹۹۰، از ثبات و سامان مناسب‌تری برخوردار شده و درآمدهای نفتی روزافزون نیز به بهبود شرایط نظامیان، بازسازی فنی و قدرتمندی دفاعی کمک کرده است. در محیط بین‌المللی، اما دوره‌هایی از دوستی و دشمنی با غرب و ناتو تجربه شده است. پس از همکاری با آمریکا در جنگ با طالبان در سال‌های نخست دهه، روسیه با موج انقلاب‌های رنگی، گسترش ناتو، برنامه سپر موشکی در چک و لهستان و سرانجام جنگ استیا روبرو شده و سپس در دو سال اخیر دوره‌ای از همکاری میان دو سو آغاز گردید که از آن به عنوان «معامله بزرگ» یاد شده است. اما اصولی مانند «قدرت جهانی» و «همپایگی راهبردی»، همچنان به عنوان اصول کلان حاکم بر سیاست دفاعی پایدار مانده‌اند. برای بحث در مورد سیاست دفاعی روسیه، نخست به اوضاع داخلی این کشور بررسی شده است. سپس شرایط محیط بین‌المللی و منطقه‌ای مورد توجه قرار گرفته است. و سرانجام، اصول کلان سیاست دفاعی روسیه موضوع بحث آخر مقاله خواهد بود.

### وضعیت داخلی: سامانی و بازسازی نظامی

در دو دهه اخیر روسیه با مسایل، تحولات و پدیده‌های متعددی در داخل روبه‌رو بوده است. پس‌لرزه‌های پس از فروپاشی، مشکلات اقتصادی، درگیری بر سر پارلمان در سال ۱۹۹۳، بحران و جنگ در چچن از سال ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۶ و سپس از سال ۱۹۹۹، رشد مافیا و باندهای تبهکار و اقدامات تروریستی، جدایی طلبی و استقلال طلبی، همگی موجب شدند تا این کشور در دهه نخست یک محیط داخلی بحرانی داشته باشد. (کولایی، ۱۳۷۶)

اما از دهه دوم با بهبود تدریجی شرایط اقتصادی و درآمدهای نفتی، اوضاع به تدریج بهتر شده و طبعاً پیامد این محیط داخلی برای سیاست دفاعی روسیه از جهات مختلف اهمیت داشته است.

در دوره آشفتگی داخلی و مشکلات اقتصادی و اجتماعی، صنایع نظامی نیز از امکان سرمایه‌گذاری و حمایت برخوردار نبودند و نظامیان با مشکلاتی نظیر مسایل معیشتی، شأن اجتماعی نازل و بویژه حذف از دایره تصمیم‌گیری‌های

نظامی و امنیتی روبه‌رو بودند و بسیاری از تحلیل‌گران، شکست ارتش روسیه از چریک‌های چچن را ناشی از آن وضعیت اقتصادی، اجتماعی و روانی می‌دانند. اما پس از روی کار آمدن ولادیمیر پوتین و افزایش تدریجی درآمدهای نفتی و سامان‌یابی اقتصاد کشور، شرایط داخلی روسیه بهبود یافت و در نتیجه، موقعیت ارتش و صنایع نظامی نیز از شرایط بهتری برخوردار گشت و فضای داخلی برای سیاست دفاعی مستقل از غرب و بعضاً در مقابل آن فراهم گشت. از طرفی، تمرکز سیاست‌گذاری‌ها، اراده قوی برای اجرای سیاست‌ها در مورد سیاست دفاعی و اعتماد به نفس ملی نیز پیامدهای مثبتی داشت. در واقع، اگرچه در دوره نخست، غرب‌گرایی گفتمان غالب بر سیاست‌های امنیتی و دفاعی بود، اما در دهه دوم، اوراسیاگرایی و عمل‌گرایی غالب شد و این تحول‌گفتمانی در داخل کشور نه تنها نوع نگاه به خارج را شکل داد بلکه به‌جای توجه به نهادهای غربی، توجه به ارتش را به صورت اولویت دولت درآورد. (Miller & Trenin, 2004)

در این چارچوب، برنامه بازسازی ارتش و تقویت صنایع نظامی و ایجاد یک ارتش حرفه‌ای، با کیفیت و متکی به فناوری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شد. از این‌رو، در روسیه سال‌های دهه نخست سده بیست و یکم از یک وضعیت مناسب‌تر اقتصادی و سیاسی برخوردار شده و نتیجه انتخابات مختلف نیز بخوبی نشان می‌دهد که اکثریت مردم از عملکرد دولت جدید راضی‌اند و این شرایط، برای مسایل امنیتی داخلی و نیز نیروهای نظامی، آثار مثبت‌بخش و مثبتی به دنبال داشته است. از سال ۲۰۰۸ با بحرانی که در اقتصاد جهانی روی داد، و پیامدهای سختی نیز برای روسیه داشته است، وضع اقتصادی روسیه نیز مشکلات متعددی را تجربه نموده و این وضعیت هنوز هم ادامه دارد. اگرچه به مدد مدیریت دولت و بهبود روابط خارجی با قدرت‌های غربی رقیب، بویژه از سال ۲۰۰۹، از پیامدهای امنیتی احتمالی این بحران کاسته شده، اما توجه در داخل دولت به سمت ضرورت نوسازی صنعتی و دستیابی به بازارهای فناوری در جهان جلب شده است و طبعاً در صورت موفقیت در این عرصه، صنایع نظامی نیز فرصت مناسب‌تری برای نوسازی خواهند داشت.

### شرایط و محیط بین‌المللی: به کارگیری قدرت و توقف محاصره

روسیه جدید در سال‌های دهه ۱۹۹۰ و پس از آن با مسائلی نظیر حمله به عراق، بحران بالکان، اقدامات آمریکا در موضوعات مختلف بین‌المللی، گسترش ناتو، گسترش نهادهای غربی، و نفوذ و حضور غرب تا مناطق جدا شده از شوروی روبه‌رو بود. این موضوعات در دوره‌های مختلف واکنش‌های متفاوتی را در روسیه به دنبال داشته است. سیاست دفاعی روسیه در قبال بحران عراق و تداوم فشارها بر این کشور طی سال‌های دهه ۱۹۹۰ بسیار انفعالی بود و مسکو حتی سایر متحدان خود را در خاورمیانه چون سوریه، ساف، لیبی و یمن جنوبی رها کرد. در بالکان، روس‌ها از اقدامات غرب حمایت کردند و با وجود اعتراضات داخلی، به مداخلات خود ادامه دادند. (زادوخین، ۱۳۸۴)

نهادهای غربی در تمام منطقه اروپای شرقی گسترش یافتند و ناتو در قالب‌هایی چون «طرح مشارکت برای صلح»، افتتاح دفاتر اطلاعاتی، برگزاری رزمایش و سرانجام به عضویت پذیرفتن هفت عضو جدید تا مرزهای روسیه در منطقه بالتیک گسترش یافت. از سال ۱۹۹۹ روسیه نسبت به گسترش مأموریت ناتو تا خارج از مرزهای اعضا و تعریف مأموریت‌های جدید در بحران کوزوو اعتراض نمود و اگرچه نتوانست مانع اقدام آن بشود، اما روابطش با ناتو تیره شد. حوادث یازده سپتامبر ۲۰۰۱ نیز از جهات مختلف برای روسیه مهم بود و این موضوع روسیه را در مبارزه با تروریسم به عنوان شریک کنار ناتو قرار داد و اجازه حضور نظامی آمریکا در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز فراهم آمد. اما زمانی که آمریکا تلاش کرد تا به عراق حمله کند، روس‌ها به شدت برآشفتند و اعتراض کردند. به هر حال، روسیه در دو دهه اخیر در یک محیط ژئواستراتژیک نامطمئن و رویاروی تهدیدات متعارف و نامتقارن از تروریسم تا جدایی‌طلبی و تهدید بحران‌های اقلیمی و آب و انرژی در آینده قرار دارد. (Rigoni, Andrea, 5 June 2008: 4)

در یک سند دفاعی که روس‌ها در سال ۲۰۰۳ منتشر کردند به پیچیدگی و

دوگانگی شرایط بین‌المللی جدید و روندهای سیاسی و نظامی جهانی اشاره شده است. در آنجا آمده است که «گرایش به سوی دموکراسی، اقتصاد جهانی و روابط سیاسی وجود دارد، اما همزمان، به کارگیری روزافزون نیروهای نظامی براساس تصمیمات ملی و بدون مجوز سازمان ملل متحد مطرح است. همچنین، در کنار این روندهای نسبتاً جدید، برخورد ایدئولوژیک بر تعاملات میان قدرت‌های اصلی جهان حاکم است. در چنین وضعیتی، داشتن نیروهای نظامی پیشرفته و مؤثر برای روسیه، به یکی از شروط موفقیت و همگرایی در درون نظام بین‌المللی در حال پیدایش تبدیل شده است. (Russia Weekly, No.275) در این چارچوب، پنج روند اساسی مؤثر بر نیروی نظامی مورد توجه قرار گرفته است. پیش از هر چیز، روسیه با چالش‌های جدید ناشی از روند جهانی شدن نظیر انتشار جنگ‌افزارهای کشتار جمعی و ابزارهای پرتاب آن‌ها، تروریسم بین‌المللی، بی‌ثباتی قومی، فعالیت گروه‌های مذهبی تندرو، انتقال مواد مخدر و جرایم سازمان‌یافته روبه‌رو است. این چالش‌ها را نمی‌توان صرفاً در سطح ملی و به وسیله تک‌تک کشورها به مبارزه طلبید و روسیه وظیفه دارد تا بدین منظور، ائتلافی مشترک از ساختارهای امنیتی شامل سرویس‌های مخفی و نیروهای نظامی تشکیل دهد. همچنین، استفاده بین‌المللی از نیروهای نظامی، خارج از چارچوب سازمان‌های سیاسی - نظامی سنتی، براساس ائتلاف‌های موجود، یک واقعیت اساسی در نظر گرفته شده است. چنین عملکردی یک واقعیت عینی است و گویا بیشتر از این رشد خواهد کرد. ارتش روسیه صرفاً زمانی علیه چنین وضعیتی عمل می‌کند که این ائتلاف‌ها، منافع سیاست خارجی کشور را تهدید کنند. اقتصادی شدن اولویت‌های سیاست خارجی دولت، روند دیگری است که مورد توجه واقع شده است. این به معنای آن است که منافع اقتصادی برخی از کشورها، مهم‌تر از منافع سیاسی یا سیاسی - نظامی آن‌ها شده است. بویژه اگر آن‌ها با الزامات شرکت‌های چندملیتی هماهنگ باشند. در نتیجه، «دلایل برای به

کارگیری نیروهای نظامی عملگرایانه‌تر و حتی خودخواهانه‌تر شده است.» این موضوع روشن می‌کند که روسیه نیاز دارد تا به طور مداوم تقویت قابلیت‌های دفاعی و امنیتی خود را با وجود تمام تمایلات صلح‌آمیزش به یاد داشته باشد.

ویژگی دیگر جهان امروز از نگاه این سند، آمیختگی داخلی و بین‌المللی تروریسم است. چنین روندی، جدایی تهدیدهای داخلی و خارجی را از همدیگر ناممکن می‌سازد. از این رو، نیروی نظامی روسیه باید به طور مشترکی در داخل یک چارچوب بین‌المللی گسترده به مبارزه با تروریسم بپردازد. این موضوع، قلمرو مسئولیت ارتش را گسترده می‌سازد. و سرانجام اینکه، اهمیت سازمان‌ها و جنبش‌های عمومی بین‌المللی غیردولتی به طور فزاینده‌ای بیشتر شده است. این موضوع، تأثیری مهم و بحث برانگیز بر سیاست دولت‌ها دارد. روسیه تلاش می‌کند که نقش فعالی در کار این سازمان‌ها و جنبش‌های بین‌المللی اصلی به منظور تضمین جنبه‌های مختلف سیاست خارجی و منافع امنیتی خود داشته باشد. (لیتوفکین، ۲۷ دی ۱۳۸۵)

در بحث تهدیدات محیطی، در پیش‌نویس سندی که در اوایل سال ۲۰۰۷ آماده شد، ناتو هم به عنوان تهدید (به سبب سیاست‌های گسترش‌گرایانه) و هم به عنوان متحد (در مقابل تهدیدات تروریستی) مطرح شده است. دومین تهدیدی که در پیش‌نویس سند مورد بحث قرار گرفته این است که هرگونه گسترش تسلیحات هسته‌ای و گسترش تسلیحات کشتار جمعی و یا استفاده از آن‌ها، یک تهدید نظامی بزرگ علیه روسیه است. سومین تهدید نیز به بحث مناقشات نظامی و بحران‌های قومی، مذهبی و سیاسی در محیط مجاور روسیه برمی‌گردد. و سرانجام چهارمین تهدید، شامل تهدید تروریسم و تجزیه‌طلبی است. آنگونه که بیان شد، نکته جالب اینجاست که روس‌ها هم ناتو را به دلیل استقرار در کنار مرزهای خود به عنوان یک تهدید معرفی کرده‌اند و هم اینکه در بحث مقابله با تروریسم آن را به عنوان متحد خود در نظر گرفته‌اند. (Golts, Alexander, September 26, 2006)

لذا بازی «حساب صفر» دوستی و دشمنی سنتی، جای خود را به منطق «حساب جمع» رقابت و همکاری» داده است. بنابراین، چهار تهدید مشخص در دکترین نظامی روسیه به عنوان تهدیدهای اصلی امنیت ملی روسیه در نظر گرفته شده است. علاوه بر تهدیدات مذکور، در دکترین نظامی جدید از «احتمال پدیدار شدن دشمنانی در جنوب و شرق» نیز سخن میان آمده است. منظور از جنوب در ادبیات راهبردی روسیه، اشاره به کشورهای مسلمان خاورمیانه (ایران، ترکیه، افغانستان و پاکستان و مسلمانان آسیای مرکزی) است. در شرق نیز عمدتاً ژاپن به عنوان هم‌پیمان غرب، چین و مسائل جمعیتی آن و مسئله هسته‌ای کره شمالی مطرح است. در این سند به این مسئله اشاره می‌شود که علت اصلی بسیاری از مناقشات بین‌المللی در حال حاضر، عوامل زیست محیطی و تصاحب منابع انرژی است. این در واقع اشاره‌ای است به تلاش قدرت‌های بزرگ و بویژه ایالات متحده آمریکا برای کنترل منابع انرژی در مناطق مجاور روسیه. (NOVOSTI, RIA, 18 May 2006)

در سند «راهبرد امنیت ملی روسیه برای سال ۲۰۲۰» گفته شده که در حال حاضر روسیه با تهدیدات زیر مواجه است: «یکجانبه‌گرایی آمریکا؛ خطر گسترش سلاح‌های کشتار جمعی بویژه قرار گرفتن آن‌ها در دست تروریست‌ها؛ تمایلات ناسیونالیستی افراطی جدایی‌طلبی و رادیکالیسم دینی؛ مسائل جمعیتی و زیست محیطی و قاچاق مواد مخدر و بزهکاری؛ درگیری‌های منطقه‌ای پیرامون مرزهای روسیه بویژه ناشی از فروماندگی یا ناکامی دولت‌ها؛ احتمال به هم خوردن تعادل نیروها در نزدیکی مرزهای روسیه؛ خطر افزایش دولت‌های هسته‌ای در نزدیکی مرز روسیه؛ و گسترش نظام دفاع موشکی آمریکا در اروپا». در این سند، در بخش «دفاع ملی» اشاره شده که «روسیه برای جلوگیری از بروز جنگ‌ها و مناقشات منطقه‌ای و در واقع برای تأمین امنیت ملی، باید استراتژی بازدارندگی را همچنان ادامه دهد. چون استراتژی بازدارندگی تأمین‌کننده امنیت روسیه در چند دهه گذشته بوده و امروز هم یکی از مسائلی است که روسیه به آن عنایت جدی



دارد بنابراین، بر کارایی و کفایت نیروهای نظامی تأکید می‌شود و اینکه نیروهای نظامی روسیه باید از کارایی و کفایت لازم در حوزه آموزش، تسلیحات و عملیات حتماً برخوردار باشند و روسیه تشکیلات نظامی خود را تکامل ببخشد». (Russian National Security Strategy Untill 2020) ارتش روسیه از یک ارتش حدود سه میلیون نفری به یک میلیون نفر کاهش پیدا کرده است. در این ارتش یک میلیونی، کیفیت آموزش‌ها و کیفیت تسلیحات به جای کمیت نیروهای مسلح جایگزین شده است. در این سند همچنین به این مطلب اشاره شده که «روسیه برای دفاع ملی خود بایستی در چارچوب همکاری‌هایی که با کشورهای دوست و متحد فعلی دارد، بتواند نیروهای نظامی خود را برای دفاع از تمامیت ارضی کشور هماهنگ کند. نیروهای نظامی روسیه در حال حاضر در وضعیتی هستند که می‌توانند با تهدیدات محیط پیرامونی روسیه در ابعاد مختلف مقابله کنند. در محور دفاع، باز به این اشاره شده است که روسیه بایستی در اقدام و آزمایش نیروهای نظامی، آمادگی پرسنل و ایجاد زیرساخت‌های لازم و همچنین منزلت خدمت نظامی و ارتقای جایگاه افسران و همچنین برنامه‌ها و سفارش‌های مربوط به مدرنیزاسیون تسلیحات و تجهیزات وسایل ارتباطی، اطلاعاتی و جنگ الکترونیک، حتماً باید از وضعیت مناسب برخوردار باشد». همچنین تأکید شده که روسیه یک سیاست خارجی عمل‌گرا و عاقلانه، دور از مسابقه تسلیحاتی، همگام با شورای امنیت سازمان ملل متحد و سایر نهادهای بین‌المللی چون جی هشت، جی بیست، ریک، بریک، سازمان پیمان امنیت جمعی، جامعه اقتصادی اوراسیا، جنبش عدم تعهد، سازمان همکاری شانگهای و اتحادیه اروپا برای حفظ ثبات جهانی خواهد کوشید. در این سند، روسیه آمادگی خود را برای همکاری با ناتو و آمریکا برای جلوگیری از گسترش هسته‌ای و تروریسم و حل و فصل مناقشات منطقه‌ای و رسیدن به توافقات استراتژیک هسته‌ای و کنترل تسلیحات اعلام کرده است. (Ibid)

در سند دکترین نظامی مصوب سال ۲۰۱۰ نیز، خطرات اساسی نظامی خارجی به قرار ذیل است: «تلاش برای بخشیدن وظایف جهانی به توان نظامی سازمان پیمان آتلانتیک شمالی و اجرای این وظایف بر خلاف موازین حقوق بین‌الملل؛ نزدیک کردن زیرساخت نظامی کشورهای عضو ناتو به مرزهای فدراسیون روسیه از جمله از طریق گسترش این پیمان؛ کوشش برای بی‌ثبات کردن اوضاع بعضی کشورها و مناطق و براندازی ثبات راهبردی؛ استقرار (افزایش) واحدهای نیروهای مسلح کشورهای خارجی (گروه‌های کشورها) در مناطق مجاور با فدراسیون روسیه و متحدان آن و نیز در آب‌های مجاور؛ ایجاد و استقرار سامانه‌های پدافند ضد موشکی راهبردی که ثبات جهانی را متزلزل می‌کند و تناسب شکل گرفته نیروهای موشکی و هسته‌ای را بر هم می‌زند، و نیز نظامی‌گری فضای کیهانی، استقرار سامانه‌های راهبردی غیرهسته‌ای سلاح‌های فوق‌العاده دقیق؛ ادعاهای سرزمینی از فدراسیون روسیه و متحدان آن و مداخله در امور داخلی آن‌ها؛ اشاعه سلاح‌های کشتار دسته جمعی، موشک‌ها و فناوری‌های موشک‌سازی و افزایش تعداد کشورهای دارنده سلاح‌های هسته‌ای؛ تخلف بعضی دولت‌ها از توافقات بین‌المللی و عدم رعایت قراردادهای قبلی بین‌المللی در زمینه تجدید و کاهش تسلیحات؛ توسل به زور نظامی در کشورهای مجاور با فدراسیون روسیه بر خلاف منشور سازمان ملل متحد و سایر موازین حقوق بین‌الملل؛ وجود کانون‌های مناقشات مسلحانه و توسعه این مناقشات در مناطق کشورهای مجاور با فدراسیون روسیه و متحدان آن؛ گسترش تروریسم بین‌المللی؛ ظهور کانون‌های تنش بین قومی (بین‌المذاهب)، فعالیت گروه‌های مختلف مسلح افراطی بین‌المللی در مناطق مجاور با مرز دولتی فدراسیون روسیه و مرزهای کشورهای متحد فدراسیون روسیه و نیز وجود اختلاف‌نظرهای سرزمینی، رشد جدایی‌طلبی و افراط‌گری مذهبی در بعضی مناطق جهان» (Ibid).

بر مبنای این سند، اهداف اساسی سیاست نظامی فدراسیون روسیه توسط رئیس‌جمهور فدراسیون روسیه و مطابق با قوانین فدرال، راهبرد امنیت ملی فدراسیون روسیه تا سال ۲۰۱۰ و این دکترین نظامی تعیین می‌شود و سیاست نظامی فدراسیون روسیه با هدف جلوگیری از مسابقه تسلیحاتی، بازدارندگی و پیشگیری از بروز مناقشات نظامی، تکمیل سازمان نظامی، اشکال و روش‌های کاربرد نیروهای مسلح و نیروهای دیگر و استفاده از تسلیحات به منظور دفاع از فدراسیون روسیه و تأمین امنیت فدراسیون روسیه و متحدان آن دنبال می‌شود. فدراسیون روسیه آمادگی دائمی نیروهای مسلح و سایر نیروها را برای بازدارندگی و پیشگیری از بروز مناقشات نظامی، دفاع مسلحانه از فدراسیون روسیه و متحدانش مطابق با موازین حقوق بین‌الملل و قراردادهای بین‌المللی فدراسیون روسیه را تأمین و حفظ می‌کند. پیشگیری از بروز مناقشه نظامی هسته‌ای و هر مناقشه نظامی دیگر، مهم‌ترین هدف فدراسیون روسیه است. (Ibid)

بر این اساس، اهداف مهم دولت جهت بازدارندگی و پیشگیری از بروز مناقشات نظامی عبارتند از: «ارزیابی و پیش‌بینی توسعه اوضاع و روندهای نظامی و سیاسی در سطح جهانی و منطقه و وضعیت مناسبات بین کشورها در زمینه نظامی و سیاسی با استفاده از وسایل مدرن فنی و فناوری‌های اطلاع‌رسانی؛ خنثی کردن خطرات و تهدیدات بالقوه نظامی با استفاده از وسایل سیاسی، دیپلماتیک و روش‌های دیگر؛ تأمین ثبات راهبردی و توان بازدارندگی هسته‌ای در سطح کافی؛ حفظ آمادگی نیروهای مسلح و سایر نیروها در سطح تعیین شده برای عملیات نظامی؛ تحکیم نظام امنیت جمعی در چارچوب سازمان پیمان امنیت جمعی و افزایش توانمندی آن؛ تقویت تعامل در زمینه امنیت بین‌المللی در چارچوب جامعه هم‌سود، سازمان امنیت و همکاری اروپا و سازمان همکاری شانگهای؛ توسعه روابط در این زمینه با سازمان‌های دیگر بین‌المللی (اتحادیه اروپا و ناتو)؛ گسترش طیف کشورهای شریک و توسعه همکاری با آنها بر اساس منافع مشترک در زمینه تقویت امنیت بین‌المللی مطابق با مفاد منشور سازمان ملل متحد

و سایر موازین حقوق بین‌الملل؛ رعایت قراردادهای بین‌المللی در زمینه تحدید و کاهش تسلیحات راهبردی تهاجمی؛ انعقاد و اجرای موافقتنامه‌ها در زمینه کنترل تسلیحات متعارف و اجرای اقدامات تحکیم اعتماد متقابل؛ ایجاد سازوکارهای تنظیم همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه در زمینه پدافند ضد موشکی؛ انعقاد پیمان بین‌المللی درباره جلوگیری از استقرار هر نوع تسلیحات در فضای کیهان؛ شرکت در فعالیت بین‌المللی حفاظت از صلح، از جمله تحت سرپرستی سازمان ملل متحد و در جهت همکاری با سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای؛ شرکت در مبارزه با تروریسم بین‌المللی». (Ibid)

### اصول سیاست دفاعی روسیه: نقش جهانی و حفظ همپایگی راهبردی

با توجه به تحولات داخلی روسیه و بویژه بهبود اقتصادی و سیاسی کشور و نیز واقعیت‌های محیط منطقه‌ای و بین‌المللی، روسیه امروز خود را یک «قدرت بزرگ اوراسیایی» می‌داند که دارای «نقشی جهانی» در خدمت «منافع ملی» خود است و در این جهت، از مفاهیم و ابزارهایی چون «همپایگی راهبردی» (ابرقدرت هسته‌ای)، ابرقدرت انرژی، و دوستان و شرکایی در آسیا، آمریکای لاتین و آفریقا بهره می‌برد که عمده‌تاً ابزارهای نفوذ و بازارهای فروش آن هستند. به عبارت روشن‌تر، روسیه خود را یک ابرقدرت با رسالت جهانی و دوستان پرهزینه تصور نمی‌کند که باید مخارج حفظ نظام سیاسی و تأمین تسلیحاتی آن‌ها را بپردازد و در این چارچوب، حتی بلاروس نزدیک‌ترین دوست و شریک خود را نیز بر سر دریافت هزینه‌های انرژی صادراتی تحت فشار قرار می‌دهد.

روسیه در جهت حفظ موقعیت «قدرت بزرگ»، همچنان بر جنگ‌افزار هسته‌ای تأکید دارد و برای حفظ و افزایش توان خود می‌کوشد و امکان استفاده از آن‌ها را صراحتاً گوشزد می‌کند. تحرکات آمریکا در سال‌های اخیر نظیر آغاز پروژه‌های دفاع موشکی از سال ۲۰۰۱، بحث استقرار سامانه‌های دفاع موشکی در چک و لهستان و ادعای «ظهور برتری هسته‌ای آمریکا» و «پایان نابودی مطمئن

متقابل» در نشریات معتبر و جریان‌ساز راهبردی در این کشور نشان می‌دهد که آمریکا می‌خواهد همپایگی استراتژیک و موازنه هسته‌ای را که از سال‌های دهه ۱۹۶۰ بر روابط دو کشور حاکم بوده، پشت سر بگذارد و این به معنای از دست دادن مهم‌ترین برگ باقی‌مانده از دوران ابرقدرتی شوروی برای مسکو است. (K.A. Lieber and D.Press, vol.30, Spring 2006)

در صورت تحقق چنین وضعیتی، روسیه توان ایستادگی در برابر حمله هسته‌ای احتمالی آمریکا را ندارد و در حوزه سیاست خارجی دیگر ضرورتی ندارد که امتیازات ویژه‌ای به روسیه داده شود.

در واکنش به این برتری‌جویی استراتژیک آمریکا، روسیه اقدامات متعددی را انجام داده است؛ از برقراری دوباره گشت نیروی دریایی هسته‌ای گرفته تا پرواز دادن بمب‌افکن‌های هسته‌ای، خروج از پیمان نیروی متعارف اروپا، اجرای رزمایش مشترک با چین، ساخت رادارهای جدید، نوسازی جنگ‌افزارهای راهبردی و ساخت موشک‌هایی که توان عبور از هر نوع سامانه رهگیری را دارند. روسیه با این اقدامات می‌خواهد نشان دهد که محاسبات استراتژیست‌های آمریکایی در مورد افول قدرت نظامی این کشور و توان بازدارندگی آن درست نیست و این کشور هنوز اصلی‌ترین رقیب آمریکا در حوزه جنگ‌افزارهای راهبردی است. (قهرمان‌پور، ۱۳۸۶: ۶۵).

البته این لزوماً بدان معنا نیست که مسکو خواستار بازگشت به یک دوره جدید جنگ سرد است، بلکه صرفاً قصد دفاع از موقعیت کنونی خود را دارد. از نظر نخبگان روسیه، سلاح‌های هسته‌ای دارای یک نقش سیاسی و روان‌شناختی مهم به عنوان یکی از دو ویژگی باقیمانده از دوران ابرقدرتی و جایگاه جهانی کشور هستند. نقش دیگر، عضویت دائمی در شورای امنیت سازمان ملل متحد است که موجب شده است مسکو بتواند در کنار سایر اعضا نقش یک قدرت بزرگ را بازی کند.

«نقش جهانی» روسیه از منظر دولتمردان این کشور، برخلاف «رسالت جهانی» دوره کمونیسم، نه یک آرمان ایدئولوژیک، بلکه بر اساس منطق واقع‌گرایی و امری عملگرایانه است و در جهت منافع ملی این کشور، حفظ پرستیژ آن به عنوان یک «قدرت بزرگ» در عرصه نهادهای بین‌المللی، و ایجاد بازار برای فروش انرژی، کالاهای صنعتی و فناوری نظامی است. از این رو، روسیه مانع استقلال کوزوو در بالکان است؛ روابط خود را با ایران و سوریه حفظ و حتی تقویت می‌کند؛ حزب‌الله و حماس را تروریست نمی‌داند و حتی غیرمستقیم در صدد ایجاد دفاتری بر آن‌ها در مسکو است؛ برای محدودسازی حمایت از چین‌ها، پوتین به عربستان، امارات و اردن سفر می‌کند؛ سلاح‌های مورد نیاز چین، هند، ایران سوریه و ونزوئلا را تأمین می‌کند. اما همه این‌ها به معنای رو آوردن به ایجاد یک اتحاد گسترده نیست و پوتین صراحتاً اعلام می‌کند که «روسیه خواستار وارد شدن به رقابت‌های جدی و اساسی نیست و در شرایط موجود که فضای برخورد فرهنگ‌ها و تمدن‌هاست، وارد هیچ اتحاد مقدسی نخواهد شد.» (Web, 15 July 2006) بر اساس آخرین سند دکترین نظامی این کشور که هنوز در مورد آن بحث می‌شود و رسماً تصویب نشده، آمده است که «با توجه به منازعات و مناقشات بین‌المللی در حال وقوع و تحلیل روندهای موجود بین‌المللی، روسیه مجبور به ایفای نقش داور در زمین فوتبال ژئوپلیتیک جهانی خواهد بود.» از این رو، مشاهده می‌شود که مسکو به‌طور جدی در پی استقلال عمل در رفتارهای بین‌المللی خود است و برای این منظور همواره در سال‌های اخیر از ایجاد یک نظام بین‌المللی مبتنی بر هژمونی آمریکا ابراز نگرانی و بر نظام بین‌المللی چند قطبی تأکید نموده است. (Web, 27 June 2006)

مفهوم «قدرت بزرگ» با «نقش جهانی» و «داوری ژئوپلیتیک» برای کشوری که در صدد حفظ موقعیت خود است برای سیاست دفاعی آن پیامدهای مهمی دارد که نخستین آن حفظ «بازدارندگی هسته‌ای» است. در اکتبر ۲۰۰۳، پوتین نیروهای

بازدارندگی هسته‌ای را هم برای حال و هم برای آینده «بنیان اصلی امنیت ملی روسیه» خواند. بررسی بیانیه‌ها و تحلیل رفتارهای روسیه نشان می‌دهد که سیاست دفاعی این کشور همانند یک کیک چند لایه است و مقدمات جدید فقط مانند خامه روی آن هستند. لایه‌های نزدیک خامه، دو تهدید سنتی (مناقشات سرزمینی، ایجاد اتحادیه‌های نظامی نزدیک مرزها، درگیری‌های مسلحانه شدید و افزایش بی‌ثباتی در مرزها؛ و دستور کار جنگ سرد سنتی در مدیریت قدرت آمریکا) است. رویکرد مسکو نسبت به آمریکا که برای سیاست دفاعی‌اش اهمیت دارد، همچنان بسیار پیچیده، گاهی متناقض و اغلب مبهم است. آن‌گونه که وزارت دفاع روسیه اعلام کرده، دستور کار همکاری‌های روسیه موارد زیر است: حفظ ثبات راهبردی، برچیدن میراث جنگ سرد، جلوگیری از تکثیر جنگ‌افزارهای کشتار جمعی و توجه به ناآرامی‌های منطقه‌ای. (ترین، شهریور ۱۳۸۵: ۴۸)

روسیه قابلیت‌های دفاعی خود را در کوتاه مدت و بلند مدت افزایش می‌دهد و بر بازدارندگی و به کارگیری نیرو به منظور تأکید بر منافع ملی خود در صحنه بین‌المللی تأکید می‌کند. البته این به معنای نادیده گرفتن همکاری و اعتمادسازی نیست. نکته جالب در سیاست دفاعی روسیه، عدم تأکید بر اتحاد است. این دولت در بیست سال گذشته کوشش کرده تا خود را از زیر بار تعهدات ناشی از اتحادهای دفاعی خارج کند. حتی در اظهارات دولتمردان از هیچ کشوری به عنوان متحد دفاعی، یا استراتژیک یاد نمی‌شود. سازمان‌هایی چون پیمان امنیت جمعی و همکاری شانگهای بیشتر بعد امنیت منطقه‌ای دارند. مفهوم دیگر این وضعیت، نبود دشمن است. روس‌ها کوشیده‌اند تا از واژگانی مانند رقبا یا حریفان بالقوه نام ببرند. همچنین در مورد جنگ‌افزارهای هسته‌ای، روس‌ها مفهوم پیش‌دستی هسته‌ای برای جلوگیری از یک حمله نظامی را مطرح کرده‌اند. (Rigoni: 7)

از این رو، سیاست دفاعی روسیه متأثر از اصولی نظیر «حفظ موقعیت قدرت بزرگ» و در جهت دفاع از این موقعیت در بعد نظامی عمل می‌کند و در سایر

موضوعات نظیر دفاع از مرزها در برابر تهدیدات آمریکا، ناتو و ژاپن، حفظ تمامیت سرزمینی و یکپارچگی ملی و در برابر تهدیدات گروه‌های قومی، مذهبی و جریان‌ات تروریستی در مناطق مجاور و واحدهای درون فدراسیون نیز تجربیات مهمی دارد.

### نتیجه‌گیری

می‌توان محیط داخلی روسیه در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ را محیطی باثبات دانست که در حال رشد و توسعه اقتصادی دانست که برای اتخاذ یک سیاست دفاعی مستقل، قدرتمند و حتی تهاجمی مساعد بود. در محیط بین‌المللی نیز از یکسو آمریکا و غرب درصدد فشار بر روسیه بودند و این فشار را در لهستان، اوکراین، آسیای مرکزی، قفقاز و خزر و نیز در موضوعات اقتصادی، انرژی، سیاسی و نظامی اعمال می‌کردند، اما با توجه به نگرانی مشترک کشورهای چون چین، ایران، اعراب و... از غرب، نظام بین‌المللی کم‌تر وضعیت تک قطبی بود و این موضوع، آزادی عمل بیشتری برای روس‌ها فراهم می‌کرد.

از این رو، روس‌ها در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ از روند یک‌جانبه‌گرایی آمریکا بیزار بودند و اقدامات آن را در مواردی چون استقرار رادارها و سامانه‌های دفاع موشکی در لهستان و چک و فشار بر حماس و ایران قابل قبول نمی‌دانستند. اما با تحول سیاست‌های آمریکا نسبت به خود، به توافقات مهمی با آن می‌رسند. از نگاه روسیه، نظام بین‌المللی بایستی چند قطبی باشد و آن‌ها در کنار چین و اروپا و در چارچوب نهادهای بین‌المللی نظیر شورای امنیت سازمان ملل متحد، مانع از اقدامات یک‌جانبه‌گرایانه آمریکا می‌شوند. روندهای اقتصادی داخلی نیز در آن سال‌ها چنین موضوعی را تأیید می‌کرد و روسیه در حال قدرت‌یابی دوباره بود تا به مدد ثبات داخلی، درآمدهای اقتصادی و همراهی‌های بین‌المللی بتواند به چنین محیطی جامه عمل بپوشاند. در چنین بستری، سیاست امنیتی و دفاعی



روسیه بر خلاف سال‌های دهه ۱۹۹۰ و حتی نیمه نخست دهه جدید، حالتی تهاجمی‌تر به خود گرفت و حتی پوتین از امکان تکرار بحران موشکی کوبا سخن گفت. اگر چه به راحتی نمی‌توان از بازگشت دوره جنگ سرد سخن گفت، چرا که مهم‌ترین مؤلفه آن (ایدئولوژی رقیب) وجود ندارد، اما امکان شکل‌گیری رقابت‌های محدودتر دور از انتظار نیست. به دنبال بحران اقتصاد جهانی و تأثیر آن در آمریکا و روسیه و در پرتو نگاه جدید اوباما و مدودف، تحولاتی در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ در سیاست‌های روسیه نسبت به آمریکا و تعاملات دو دولت روی داده است که به تغییراتی در سیاست دفاعی روسیه نیز انجامیده است و به تعدیل برخورد با موضوعات مورد اختلاف و حتی همکاری‌های مهمی در موضوعاتی چون افغانستان رسیده است.

### منابع

- ۱ - آ.گ. زادوخین، سیاست خارجی روسیه، ترجمه مهدی سنائی، تهران: ابرار معاصر، ۱۳۸۴.
- ۲ - دمیتری ترینین، "سیاست هسته ای روسیه در قرن بیست و یکم"، ترجمه عسگر قهرمان پور، همشهری دیپلماتیک، شهریور ۱۳۸۵.
- ۳ - قهرمان پور، رحمن، "ورای بازدارندگی"، همشهری دیپلماتیک، شماره ۱۷، شهریور ۱۳۸۶.
- ۴ - کولائی، الهه، "سیاست و حکومت در روسیه"، تهران: وزارت خارجه، ۱۳۷۶.
- ۵ - لیتوفکین، ویکتور، "روسیه دکترین نظامی خود را تغییر می دهد"، خبرگزاری ریانواستی، ۲۷ دی ۱۳۸۵.
- 6 - Andrea Rigoni, Russia,s Defence Policy, Report of European Security and defence Assembly, Document A/2008, 5 June 2008.
- 7 - Alexander Golts, "**New Doctrine is old hat**", Online Newspaper yezhend nevny zhurnal, September 26, 2006, Issue 3505.
- 8 - <http://kremlin.ru> (July 15, 2006).
- 9 - <http://www.edi.org> (June 27, 2006).
- 10 - K.A. Lieber and D.Press "**The Rise of U.S Nuclear Primacy**", foreign Affairs, March – April 2006, and K.A.Lieber and D.Press, "**The End of Mad ? The Nuclear Dimension of U.S. Primacy**", International Security, Issue 4, vol.30, Spring 2006.
- 11 - "**Russian Army ...**", RIA NOVOSTI, may 18, 2006.
- 12 - Russian National Security Strategy Untill 2020, ([www.kremlin.ru/537/2](http://www.kremlin.ru/537/2) may 2009).
- 13 - S.Miller and D.Trenin, the Russian Military, MIT Press, 2004.
- 14 - [www.CDI](http://www.CDI) Russia weekly, No. 275, October 2, 2003 (Security is best achieved...) RIA NOVOSTI.